

تکرار جدال

○ حسن گیلانی



○ جدال رسانه‌ای
○ به اهتمام: رحمت الله صادقی
○ انتشارات گفتمان، ۱۳۷۹

جدال رسانه‌ای (بررسی یک پرونده) مکتوبی است در هیأت کتاب که به ماجرای جدال بین دو روزنامه دولتی کیهان و ایران اختصاص دارد. حدود پنجاه صفحه از این مجموعه چهارصد و هشتاد صفحه‌ای را پیشگفتار و شرح کوتاهی از تاریخچه «پیدایش خبرگزاری جمهوری اسلامی» و «کیهان» تشکیل داده است و باقی آن همان مطالبی است که در دو روزنامه ایران و کیهان بر علیه یکدیگر منتشر شده است. این روزها، ساختن جنگ‌ها و مجموعه‌ها از رویدادهای سیاسی و اجتماعی و گفتارهای مربوط به آنها رواج یافته است و این به خودی خود حرکتی است مطلوب که به تقویت فرهنگ مکتوب کمک می‌کند و در نتیجه، عقلانیت انتقادی امکان رشد می‌یابد. کمترین فایده این گونه مجموعه‌ها این است که می‌تواند دستمایه کار محققان و پژوهشگران دیگر باشد و آنها را از تلاش بسیار برای یافتن مواد خام کارشان معاف سازد. از این رو، به نظرم، اصل کار مطلوب است و خدمتی است به جامعه و فرهنگ؛ و چه بهتر که این گونه فعالیت‌ها در حوزه نشر کتاب، درکنار فعالیت‌هایی چون تألیف و ترجمه، رواج یابد. به هر حال خوانندگان و علاقه‌مندان به کتاب در سطوح مختلفی جای می‌گیرند و هر مخاطبی در این حوزه باید امکان پاسخگویی به علائق خود را داشته باشد. جنگ‌ها و مجموعه‌ها نیز می‌توانند در میان گزینه‌های مختلف یک گزینه ویژه باشند.

اما بر پیشانی این مجموعه عنوان فرعی «بررسی یک پرونده» جا خوش کرده است و این

«بررسی یک جدال رسانه‌ای» نیست، بلکه «تکرار جدال» است. دلیل نخست شکلی و مربوط به ساختار این مجموعه است که بخش اعظم آن را همان مطالبی تشکیل داده است که دو روزنامه مذکور بر علیه یکدیگر منتشر کرده‌اند (یعنی عین جدال منعکس شده است). دلیل دوم نیز خروج تدوین‌کننده و مقدمه‌نویس از موضع علمی و بی‌طرفانه است. اما قبل از بحث از این مسأله، اجازه دهید به یک نکته کم‌اهمیت‌تر، و البته مهم، اشاره کنم و آن ایرادی است نوشتاری در پیشگفتار این مجموعه. این ایراد شاید با این فکر که «دشوارنویسی نشانه اندیشه پیچیده است» بی‌ربط نباشد. من البته نمی‌دانم که نویسنده محترم پیشگفتار چگونه می‌اندیشد و لذا حق ندارم چیزی را به ایشان نسبت دهم، اما نثرنویسی وی را منسوخ و معیوب می‌دانم و این را نه تنها نشانه پیچیدگی اندیشه نمی‌دانم بلکه نشانه ناتوانی در بیان تلقی می‌کنم. موارد زیر نمونه‌هایی از این دشوارنویسی‌اند:

«صیقل زدن به سطوح و دامنه چهارچوب ذهنی آدمی»؛ «فربه‌سازی نگاه محققانه با نگاه گرتنه‌برداری علمی - کارشناسی»؛ «ساماندهی مهندسی انرژی جامعه» [منظورشان بیشتر انرژی انسانی است نه انرژی طبیعی و غیره].

برای مثالی مشخص‌تر به جملات زیر درباره حقوق طبیعی، حقوق الهی و انقلاب اسلامی توجه کنید. من چیزی دستگیرم نشد: «استیفای کامل حقوق طبیعی برای جامعه، نقطه عزیمت شروع بهره‌گیری حقوق الهی در جامعه اسلامی است. در حقوق طبیعی بسیاری از حقوق ذکر شده [؟] به رسمیت شناخته شده است. نگاه قدسی انقلاب اسلامی در این زمینه، پرچم‌دار مطالبات جدیدی در رژیم‌های متنوع حقوق اساسی ایده‌آل خویش

این مجموعه در واقع به دو دلیل بررسی یک جدال رسانه‌ای نیست بلکه «تکرار جدال» است. دلیل نخست شکلی و مربوط به ساختار این مجموعه است که بخشی اعظم آن را همان مطالبی تشکیل داده است که دو روزنامه مذکور بر علیه یکدیگر منتشر کرده‌اند (یعنی عین جدال منعکس شده است). دلیل دوم نیز خروج تدوین‌کننده و مقدمه‌نویس از موضع علمی و بی‌طرفانه است

تداعی‌گر این است که قرار است یک رویداد معین - در اینجا جدال بین دو روزنامه کثیرالانتشار ایران و کیهان - به طور تحلیلی بررسی شود. به نظر می‌رسد این نقش را در این مجموعه، بیست صفحه پیشگفتار ایفا می‌کند. قطعاً بیست صفحه برای عرضه یک تحلیل و بررسی علمی و بی‌طرفانه جای کمی نیست. اما مشکل این مجموعه در حجم صفحات نیست بلکه در این است که اساساً یک تحلیل و بررسی علمی و بی‌طرفانه در آن ارائه نشده است و تدوین‌کننده در موضع یکی از طرفین قرار گرفته و به محکوم کردن طرف مقابل پرداخته است. بنابراین، به گمان من، این مجموعه در واقع به دو دلیل

وقتی دو نفر با هم به نزاع می پردازند و به قاضی شکایت می برند، قاضی نمی تواند به حکم این که یکی از دو نفر قبلاً انسان خوبی بوده است او را بی گناه و مبرا بشناسد

ایران در جریان است و منازعات بین دو روزنامه، در واقع به سطح آوردن مناقشات و تقابلهایی است که در عمق نظام سیاسی جریان دارد. بنابراین، جدال رسانه‌ای در این جا نیز چیزی جز بازنمایی بخشی از واقعیت نیست. براساس چنین دیدگاهی، از لحاظ علمی تایید یا نفی این یا آن روزنامه محلی از اعراب ندارد. در چنین مواردی ای بسا که طرفین عملکرد یکسانی را انجام می‌دهند و با روش‌های کاملاً مشابهی عمل می‌کنند، اما با دو موضوع متفاوت و متضاد. از قضا در این جا به نظر کاملاً چنین اتفاقی افتاده است.

بنابراین مدعی دوم من این است که در جریان این جدال، دو روزنامه ایران و کیهان کمابیش شیوه‌های مشابهی را به کار بردند و کم و بیش عملکرد یکسانی داشته‌اند. اما تدوین‌کننده این مجموعه به خاطر تعلق خاطر خاصی که داشته است، امکان توجه به این نکات را فاقد بوده است.

در این جا چون قصد بازگشایی و «بررسی این پرونده» را ندارم، تنها به طور اجمال به برخی از روش‌هایی که این دو روزنامه همزمان و به طور مشترک از آن‌ها بهره برده‌اند اشاره و از تفصیل بیشتر حذر می‌کنم:

الف - منتسب کردن روزنامه مقابل به دشمن: هم روزنامه کیهان و هم روزنامه ایران به نحوی طرف مقابل را به اسرائیل یا آمریکا منتسب کرده است (به عنوان مثال رجوع شود به صفحات ۶۰، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۹۱ تا ۲۹۲، ۳۲۰ و ۳۳۵ از همین مجموعه).

ب - نسبت ناروا دادن و متهم کردن شخصیت‌های مرجع و ذی‌نفوذی که به نحوی منتسب به دو روزنامه بودند (از نظر اخلاقی این غیر اخلاقی‌ترین کار این دو روزنامه بوده است).

ج - توهین و تهمت به طرف مقابل (رجوع شود به صفحات ۲۷۸، ۴۱۹ و ۴۶۹).

د - بسیج نیروهای در دسترس برای مقابله با طرف مقابل (مثلاً مصاحبه با شخصیت‌ها، استفاده از نامه‌ها و غیره).

ه - اعلام یک طرفه پیروزی خویش و شکست طرف مقابل (رجوع شود به صفحات ۴۲۹ و ۱۵۶).

و - معرفی یک‌جانبه خود به عنوان روزنامه مطلوب مردم (رجوع شود به صفحات ۲۷۳ و ۲۱۷)

است.» (ص ۲۸)

حال برگردیم به همان مطلب اصلی که بررسی جانبدارانه باشد. تدوین‌کننده این مجموعه علاوه بر این که در چندین مورد آشکارا ویژگی‌های رسانه‌ای مثبتی را به روزنامه ایران نسبت داده است (صفحات ۳۱، ۳۳ و ۳۴)، در موارد مختلفی - آشکارا یا پوشیده - بر علیه روزنامه کیهان موضع‌گیری کرده و کلیت بحث‌های مقدماتی را به نحوی تدوین کرده است که درستی عملکرد روزنامه ایران و نادرستی روش روزنامه کیهان را در طی این جدال به خواننده القاء می‌کند. و این به نظر چیزی جز تکرار جدال رسانه‌ای - البته این بار در هیأت کتاب - نیست. من حقیقتاً منکر ویژگی‌های مثبت روزنامه وزین ایران نیستم، اما این جا و در این مجموعه بحث بر سر ویژگی‌های یک روزنامه به طور کلی نیست بلکه بحث و مسأله اصلی روش و راهی است که یک نشریه در مورد یک موضوع معین - جدال با نشریه‌ای دیگر - در پیش گرفته است. وقتی دو نفر با هم به نزاع می‌پردازند و به قاضی شکایت می‌برند، قاضی نمی‌تواند به حکم این که یکی از دو نفر قبلاً انسان خوبی بوده است او را بی‌گناه و مبرا بشناسد. در درجه اول باید دید در خود نزاع چه روی داده است. من گمان می‌کنم اگر کسانی که به کیهان تعلق خاطر دارند بخواهند همین جدال را به تصویر بکشند و مجموعه‌ای تدوین کنند، قطعاً و به آسانی می‌توانند تدوینی متفاوت و به نفع روزنامه کیهان ارائه کنند؛ و به احتمال زیاد، نتیجه کارشان چیزی مغایر و متضاد با این مجموعه خواهد بود.

تدوین‌کننده محترم علی‌رغم این که چندین بار به دولتی بودن این دو روزنامه اشاره می‌کند، متوجه نیست که از روزنامه دولتی اساساً نمی‌توان انتظار داشت که چونان یک روزنامه مستقل عمل کند. روزنامه‌ای که وابسته به دولت یا حکومت است قطعاً پیوند مشخصی با منافع و علائق آن دارد. در این مورد نیازی به تفصیل نیست و تنها کافی است یادآوری کنیم که همین روزنامه ایران را اگر در قبل از دوم خرداد ۷۶ بررسی کنیم و آن را با دوره بعد از دوم خرداد مقایسه کنیم متوجه تفاوتی جدی بین عملکرد این دو دوره روزنامه خواهیم شد.

مدعی من اجمالاً این است که این جدال رسانه‌ای را می‌توان با طرح یک چارچوب نظری استوارتر بررسی کرد؛ چارچوبی که پیشاپیش نسبت به موضوع، موضع خاصی اتخاذ نمی‌کند. نقطه عزیمت این نظرگاه این است که جدال بین دو رسانه دولتی حاکی از جدالی است که در عرصه سیاست



مدعی من اجمالاً این است که
این جدال رسانه‌ای را می‌توان با
طرح یک چارچوب نظری استوارتر
بررسی کرد؛ چارچوبی که
پیشاپیش نسبت به موضوع،
موضع خاصی اتخاذ نمی‌کند. نقطه
عزیمت این نظرگاه این است که
جدال بین دو رسانه دولتی حاکی
از جدالی است که در عرصه
سیاست ایران در جریان است